

دست‌آورد سازمان دانش بومی و فرهنگ شفاهی ایران باختری شماره‌ی شانزدهم

رزم‌نامه

(استوره‌های کهن زاگرس)

بخش سوم

داستانهای حماسی رزم‌نامه از نظم گورانی - لکی به نثر فارسی

از:

محمدرضا (فریبرز) همزه‌ای

(عضو هیأت علمی دانشگاه رازی)

انتشارات دانشگاه رازی

کرمانشاه ۱۳۹۳

سرشناسه	همزه‌ای، محمدرضا (فریبرز)
عنوان	رژمنامه (استوره‌های کهن زاگرس) / از محمدرضا (فریبرز) همزه‌ای.
مشخصات نشر	کرمانشاه، دانشگاه رازی، ۱۳۹۳ = ۲۰۱۴ م.
مشخصات ظاهری	ج. همراه با لوح فشرده
فروست	دانشگاه رازی: ۳۳۷. فرهنگ عامه: ۴.
شابک	دوره: ۷۸-۷۷-۵۴۵۸-۶۰۰-۹۷۸. بخش: ۱. ۶-۷۵-۵۴۵۸-۶۰۰-۹۷۸. بخش: ۲. (جلد: ۱. ۳-۷۶-۵۴۵۸-۶۰۰-۹۷۸. جلد: ۲. ۲-۷۳-۵۴۵۸-۶۰۰-۹۷۸). بخش: ۳. ۷۷-۷۵-۵۴۵۸-۶۰۰-۹۷۸
یادداشت	کتابنامه
یادداشت	کتاب رژمنامه (استوره‌های کهن زاگرس) در سه بخش مجزا شامل: بخش یکم: خاستگاه فرهنگی و زبانی رژمنامه / از محمدرضا همزه‌ای. - بخش دوم: داستانهای حماسی به نظم گورانی - لکی به همراه فشرده‌ی فارسی (در دو جلد) / از محمدرضا همزه‌ای. - بخش سوم: برگردان داستانهای حماسی رژمنامه از نظم گورانی - لکی به نثر فارسی / از محمدرضا همزه‌ای.
موضوع	شعر حماسی کردی
موضوع	شعر حماسی کردی - تاریخ و نقد
موضوع	کردان - اساطیر
موضوع	کردان - تاریخ
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ ۸۸۴ / ۳۵۶ PIR
رده بندی دیویی	۹/۲۱ ق ۸



انتشارات دانشگاه رازی ۳۳۷

عنوان بخش سوم: برگردان داستانهای حماسی رژمنامه از نظم گورانی - لکی به نثر فارسی
نویسنده: محمد رضا (فریبرز) همزه‌ای.
ویراستار بخش سوم: خلیل کهریزی.
ناشر: دانشگاه رازی
تاریخ و نوبت چاپ: ۱۳۹۳ - اول
شمارگان: ۱۰۰۰
قیمت دوره: ۸۰۰۰۰ تومان
قیمت (بخش سوم): ۲۱۰۰۰ تومان
شابک (بخش سوم): ۷۷-۷۵-۵۴۵۸-۶۰۰-۹۷۸

مراکز بخش: تهران: مرکز نشر دانشگاهی ۸۸۵۵۶۱۶۸ - کتابیران ۱۵ - ۶۶۵۶۶۵۱۰ - دانشیران ۶۶۴۱۶۱۷۶

Tehran: Ketabiran: 021 66566510-5 Daneshiran: 021 66416176

کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی - تلفکس ۰۸۳-۳۳۲۸۰۸۰۲

Kermanshah: 083- 34280802

Email: publication@razi.ac.ir

مسئولیت درستی مطالب به عهده نویسنده می باشد.

(حق چاپ برای ناشر محفوظ است)

پیشگفتار

واژه‌ی استوره که بیشتر با شکل معرب اسطوره همراه جمع مکسر اساطیر به کار می‌رود، همانند مفهوم و درون‌مایه‌اش بسیار شگفت و رازآلود است. شکل عربی این واژه باید بسیار جوان‌تر باشد و از رازناکی و دیرینگی آن می‌کاهد. از این‌رو در عنوان این کتاب، شکل استوره به همان گونه که در فارسی خوانده می‌شود، نوشته شده است. واژه‌ی استوره به نوشته‌ی محمودی بختیاری همان واژه‌ای است که در زبان‌های اروپایی به شکل‌های *historia* در یونانی (به معنی جست‌وجو، آگاهی)، *Histoire* در فرانسوی، *History* در انگلیسی (به معنی تاریخ، تاریخچه، گزارش، روایت) و *story* (به معنی داستان، قصه‌ی تاریخی، پیشینه) به کار می‌رود. در زبان باستانی سانسکریت این واژه به شکل *Sutra* به کار می‌رود که به معنی داستان است. در واژه‌نامه‌ی کتاب اوپانیشاد (برگردان داراشکوه) سوتر یا همین سوترای سانسکریت به معنی نخ، ریسمان مقدس، کمر بند آمده است (ص ۵۱۶). همین ما را به سوی کشف جالبی در فرهنگ ایرانی راهنمایی می‌کند؛ چه واژه‌ی سده که همراه کشتی برای پیراهن نخی و کمر بند آیینی زرتشتیان به کار گرفته می‌شود، نمی‌تواند خویشاوند دیگری جز واژه‌ی سوترای سانسکریت داشته باشد. از این شگفت‌انگیزتر این خواهد بود که شاید روزی ما پیوندی میان این واژه‌ها و سفره و آیین‌های ایرانی که خوراک و میوه را بر پارچه‌ای نخی می‌نهادند، بیابیم.

اینک سال‌هاست که من از وجود سروده‌های حماسی در میان گویشوران کردی جنوبی آگاه هستم. گاهی نیز بخش‌هایی از آن به دستم می‌رسید که به سبب کامل نبودن، پنداشت درستی را به دست نمی‌دادند. ولی از چند سال پیش که پژوهش‌های گسترده در این میدان را آغاز نموده‌ام، برایم روشن شد که این پدیده می‌تواند از ارزش بسیاری برخوردار باشد. خوشبختانه با انتشار این کتاب بخشی از دستاوردهای تلاش چند ساله را می‌توان پیشکش خوانندگان نمود.

من سال‌های بسیاری از زندگی خود را در کتابخانه‌های گوناگون به بررسی تاریخ و فرهنگ ایران گذرانده‌ام. شاید بتوان گفت که کمتر کتاب یا جزوه و مقاله‌ای، به ویژه درباره‌ی

باختر ایران تاریخی وجود داشته باشد که به دست من نرسیده و آنها را کم و بیش بررسی ننموده باشم. مهم‌ترین پیامد تلاش سال‌های نامبرده برای من این بود که در پایان کار مرا در برابر تصمیم‌گیری مهمی نهاد که سختی و هزینه‌های شخصی بیش از اندازه‌ای برایم دربرداشت.

نتیجه‌ی بررسی‌های کتابخانه‌ای نشان می‌داد که زادگاه من در سرزمینی جای دارد که از دیدگاه تاریخ فرهنگی و تمدنی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و البته به هیچ‌رو تا به امروز شناخته نشده‌است. من به کشف یک یکان فرهنگی ناشناخته و مهم دست یافته بودم که در سرزمینی میان تیسفون و همدان گسترده شده‌است. البته در سال‌های دیگر این گمان نیرو گرفت که این یکان، شاید فراتر از آن بوده‌است و از یک سو تا شیخان و سنجر و از سوی دیگر تا سهرورد زنجان می‌تواند پیش رفته باشد. درباره‌ی ویژگی این یکان فرهنگی، راولینسون برای نخستین بار این سرزمین را به سبب گوناگونی و دیرینگی فرهنگی‌اش هندکوچک (Little India) نامید که من تا اکنون آن را گویاترین و کوتاه‌ترین شیوه‌ی بیان این پدیده یافته و در گفته‌ها و نوشته‌های خود تکرار نموده‌ام.

یافته‌های یادشده در پایان مرا بر آن داشتند تا پس از انجام پایان‌نامه‌ی دوره‌ی پروفسوری (Habilitation) در دانشگاه اوزنابروک آلمان در سال ۱۹۹۸ میلادی به کرمانشاه بیایم و پژوهش‌های بلند مدت میدانی خود را پی بگیرم. امروزه پس از مدت چهارده سال، اگرچه به همه‌ی آن چیزهایی که دوستان و آشنایان برای بازداشتن من از انجام این کار می‌گفتند رسیده‌ام، ولی از سوی دیگر پژوهش‌های میدانی و گردآوری‌هایی که تاکنون انجام گرفته‌است، همگی نشان از درستی گمانه‌ی آغازین من درباره‌ی ارزش فرهنگی این یکان فرهنگی دارند. البته با وجود آنچه که تا کنون به دست چاپ داده شده، مهم‌ترین بخش پژوهش‌های من چشم به راه آینده است. با این همه امید است که همین کاری که درباره‌ی رزم‌نامه‌ی کردی در این کتاب آمده است، بخشی از دسترنج سال‌های پرهزینه‌ی گذشته باشد.

هنگامی که من در دانشگاه رازی کار خود را آغاز نمودم، کمتر سخنی از پژوهش و به ویژه پژوهش‌های فرهنگی در کشور در میان بود؛ برای همین دانشگاه رازی که مادر دانشگاه‌های

باختر کشور بود، هنوز از بخشی به نام انتشارات برخوردار نشده بود. از این رو نخستین کار پژوهشی من به زبان فارسی از سوی دانشگاه به انتشارات تاق‌بستان سپرده شد که به نام "خاستگاه خیزش" در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسید. پس از چند سال ناگهان موضوع پژوهش پیش کشیده شد که پدیده‌ای به نام «آی اس آی» را در کانون آن جای داده بودند. ولی به همان اندازه که در اینجا کسی از درجه‌ی هابیلیتاسیون آگاهی نداشت، من هم که همه‌ی زندگی خود را در دانشگاه‌های آسیایی و اروپایی سپری کرده بودم، هیچ‌گاه چیزی درباره‌ی «آی اس آی» که مراد از آن نیز چاپ مقاله در یک گروه آمریکایی از نشریه‌های دانش‌های پایه است، نشنیده بودم. ولی در کشورهای جهان سوم که پیوند گسترده میان دانشگاه و صنعت به وجود نیامده است، سهم بخش نشر دانشگاه در روند توسعه‌ی همه جانبه و پایدار، سهمی بسیار برجسته است؛ اگر چه به هر رو، انتشارات یک دانشگاه آبروی آن دانشگاه شمرده می‌شود. روشن است که توسعه‌ی استانی و کشوری به توسعه‌ی دانشگاهی و به ویژه در بخش پژوهشی آن وابسته است. از این رو معیار سنجش و ارزش نشر پژوهش‌های بومی یک دانشگاه باید در میان معیارهای پایه‌ای جای داده شود. با وجود این در روند پرشتاب پدیده‌ی جهانی شدن، در طرحی که به هنری کسینجر نسبت داده شده است، سیاست‌های پژوهشی دانشگاه‌ها را جهانی برنامه‌ریزی کرده‌اند و در آن بخش‌هایی از پژوهش را برای دانشگاه‌های جهان سوم نگاه داشته‌اند. ولی این گونه طرح‌های سرمایه‌داری جهانی به هیچ رو با الگوی بومی توسعه‌ی پایدار هماهنگی ندارد.

در چند سال گذشته که مدیریت بخش پژوهشی و نشر دانشگاه رازی را دکتر هومن سالاری پذیرفته بود، به سبب آشنایی درازمدت ایشان با دانشگاه‌های دیگر کشورهای جهان، در این بخش دگرگونی چشم‌گیری رخ داد که به آن نیاز بود. به ویژه که ایشان بانوان توانمندی مانند خانم فرحناز حیدریان و خانم‌ها بتول رنجبر، مهنوش حیدری و ندا بهرامی را در کنار خود داشتند. از آنجا هم که کارهای بررسی کتاب رزمنامه آخرین کاری بود که در دوران مدیریت دکتر هومن سالاری انجام گرفت، من نیز بر خود لازم دیدم که آن را به عنوان سپاس از تلاش‌های

انجام شده، به نامبردگان پیشکش نمایم. افزون بر آن از سرکار خانم فرحناز حیدریان برای در اختیار گذاشتن نسخه‌های خطی رزم‌نامه‌ها سپاس فراوان دارم.

کاری که در اینجا به نام "رزم‌نامه" پیشکش می‌شود، دارای سه بخش جداگانه است: بخش نخست به واکاوی زمینه‌ی فرهنگی - زبانی رزم‌نامه می‌پردازد. این واکاوی دستاورد سال‌ها پژوهش در ایران و اروپا است و در آن تا اندازه‌ای راهگشایی‌هایی کلیدی انجام گرفته‌است، که هر یک می‌تواند پژوهش‌های دیگری را به دنبال داشته باشد. این متن واکاوی تلاش دارد تا نشان دهد که ما با چه پدیده‌ی شگفت‌انگیزی روبه‌رو هستیم و تا چه اندازه کارهای پژوهشی بزرگ چشم به راه پژوهشگران پرتلاش آینده‌نشته‌اند.

در بخش دوم، داستان‌های رزم‌نامه همراه با چکیده‌های آنها به نثر فارسی آورده شده‌است، تا شاید کار خواننده برای دریافت متن کردی کمی آسان‌تر شود. در بخش سوم برگردان کامل همه‌ی داستان‌های رزم‌نامه به فارسی پیشکش می‌گردد، تا شاید کسانی نیز که به زبان ادبی کردن آشنایی ندارند، بتوانند تا اندازه‌ای با سرشت این داستان‌ها آشنا شوند و از آنها سود ببرند.

مجموعه‌ی چند جلدی رزم‌نامه به همراه یک سی دی خواهد بود که در آن افزون بر اجرای صوتی یکی از داستان‌های رزم‌نامه، به تجربه‌هایی در موسیقی آیینی کردن جنوب دست زده شده تا جهان با بخش دیگری از میراث فرهنگ دیرینه‌ی این مردم و جایگاه ویژه‌اش آشنا شود.

در پایان این پیشگفتار نیاز به یادآوری است که زبان گورانی زبان ادبی کردن جنوب از دوران‌های ناشناخته بوده‌است، که از ادبیات باارزش دینی، عرفانی و تفریحی برخوردار است. ولی این پدیده که گورانی دارای ادبیات حماسی بازمانده از دوران کهن باشد، به این زبان جایگاه ویژه‌ای در میان زبان‌های جهان خواهد داد. با همه‌ی اینها زبان گورانی در میان زبان‌هایی جای دارد که در حال ناپدید شدن هستند و از این رو امید است که با شناساندن جایگاه عرفانی، فرهنگی و ادبی آن، از خطر نابودی نجات یابد.

فهرست

- پیشگفتار ۱
- داستان کنیزک یا جنگ هماون ۱**
- لشکر کشی افراسیاب به ایران ۲
- آمدن بلنگینه پوش به میدان ۶
- آمدن فرامرز به یاری سام و جهانگیر ۸
- پیام شکست سپاه ایران ۱۱
- جنگ رستم و افراسیاب ۱۵
- نامه نوشتن زال به کیخسرو ۲۰
- مژده‌ی پیروزی رستم به زال ۲۰
- داستان جنگ رستم و زنون ۲۳**
- نامه نوشتن زواره به شاه ایران ۲۴
- خواب دیدن زال ۲۹
- رفتن زال به دنبال رستم ۳۳
- نبرد رستم و زنون ۳۴

۳۵	 پاسخ برزو به زال
۴۹	 داستان جنگ عظیم شاه
۵۰	 پیغام بیژن به بهتون
۵۱	 شناساندن بیژن به بهتون و سپاه او
۵۴	 پیام پیروزی فرامرز به کیخسرو رسید
۵۵	 رفتن شاه ایران به نزد فرامرز
۵۶	 بهتون پیامی برای عظیم شاه فرستاد
۵۷	 نبرد فرامرز و لشکر عظیم شاه
۶۷	 لشکر کشی تیمور به ایران
۷۲	 رفتن کیخسرو به شکار و گرفتار شدن او
۷۴	 آمدن "لعل پوش" و "یاقوت پوش" به جنگ ایران
۷۸	 نامه نوشتن بهرام برای ایران و توران
۸۲	 پیکار تیمور و بهرام
۸۴	 به شکار رفتن جهانبخش و دل دادن به هما
۹۳	 رفتن جهانبخش و گسته‌م به هفت خان
۹۴	 رفتن جهانبخش به خان دوم و سوم

- رسیدن جهانبخش به خان هفتم ۱۰۰
- یکدست سر راه جهانبخش را گرفت ۱۰۲
- داستان رستم و سهراب ۱۰۹
- داستان رستم و اسفندیار ۱۳۳
- داستان بهمن و فرامرز ۱۵۷
- نامه‌ی بهمن به فرامرز ۱۵۷
- بی هوش شدن فرستاده‌ی بهمن ۱۵۸
- فرامرز لشکر را آماده رزم نمود ۱۵۹
- آغاز جنگ بهمن و فرامرز ۱۵۹
- کشته شدن فرامرز ۱۶۰
- آگاهی زال و بانوان از کشته شدن فرامرز ۱۶۳
- آمدن آذربرزین و گرفتار شدن او ۱۶۵
- خواب بهمن شاه ۱۶۷
- رستم تبردار ۱۶۹
- جنگ پاس و برزین و رستم تبردار ۱۷۰

- ۱۷۱..... رفتن برزین به شکار و مهمانی یزدادشاه
- ۱۷۵..... پایان جنگ بهمن و برزین
- ۱۷۶..... جنگ برزین و بهمن با ازدها
- ۱۷۷..... داستان برزو و فولادوند یا برزونامه
- ۱۸۲..... دیدار برزو و حوری لقا، دختر جهانگیر شاه
- ۱۸۷..... رفتن برزو به جنگ ازدهای خوارزم
- ۱۹۰..... رفتن برزو به سردمین فولاد دیو
- ۱۹۳..... قرلان برزو را به باغ سیمین عذار می برد
- ۱۹۵..... شکار رفتن برزو و گرفتاری او
- ۱۹۷..... آگاه شدن سیمین عذار (جهانسوز) از گرفتاری برزو
- ۲۰۴..... خواستگاری از سیمین عذار از سوی برزو و آگاه شدن افرسیاب
- ۲۲۶..... رفتن رستم به جنگ دیوان
- ۲۳۹..... قهرمان نامه
- ۲۴۷..... قهرمان تهمورث را در خواب دید
- ۲۴۸..... خواستگاری هوشنگ از دختر کیوان شاه
- ۲۴۸..... گریختن کیوان، توران و خاور و داود شاه به هندوستان

- شکار رفتن هوشنگ و دیدن قمررخ ۲۵۲
- آمدن شهبال برای یافتن بهرام ۲۷۹
- داستان رستم و پیر بیان ۳۲۱
- باج گیری رستم از زال ۳۳۶
- جنگ کیکاوس با دیوان مازندران ۳۴۹
- نمایه ۳۷۵
- درباره‌ی نگارنده ۳۸۴

سرآغاز

استوره‌هایی که به نام رزم‌نامه یا شاهنامه‌ی کردی شناخته شده است، یکی از جلوه‌های شگفت‌آور میراث معنوی ایران باختری است. با وجود تلاش‌هایی که تا کنون انجام گرفته، خود این میراث معنوی هنوز بسیار کم شناخته شده است. برای شناخت بیشتر این پدیده، نیاز به پژوهش‌های روشمند فراوان در آینده خواهد بود. در راستای شناخت بیشتر این جلوه، یعنی استوره‌ها نیز، روشن است که دسترسی یافتن پژوهشگران به آنها را می‌توان گام نخست شمرد.

داستان‌های رزم‌نامه که به شیوه‌ی سینه به سینه نگاهداری می‌شده‌اند، بسیار سترگ و گسترده هستند. شماری از این داستان‌ها در گذشته‌های نزدیک به نظم درآورده شده و بر کاغذ نوشته شده‌اند. شمار این داستان‌های نوشته شده روشن نیست و برخی آنها را بیشتر از پنجاه می‌دانند. من خود تا کنون نزدیک به بیست داستان را به دست آورده‌ام. از سوی دیگر، کسانی نیز هستند که هنوز برخی از این داستان‌ها را در سینه دارند و چه بسا در میان آنها داستان‌هایی نیز باشند که هنوز نوشته نشده‌اند. داستان‌های "رستم و سهراب" و "رستم و اسفندیار" از این گونه بودند که برای نخستین بار نوشته شده‌اند. از این رو، امید است که در روند این تلاش که اینک آغاز گردیده است، نه تنها بتوان همه‌ی داستان‌های نوشته شده را به چاپ رساند، بلکه همچنین بتوان دیگر داستان‌های نوشته نشده را گردآوری نمود.

سرآغاز این تلاش در راستای شناساندن استوره‌های رزم‌نامه، یک پژوهش در باره‌ی خاستگاه فرهنگی و زبانی آن است که خود، دستاورد سال‌های بسیاری کار در کتابخانه‌های گوناگون است. گفتمان‌هایی که در این پژوهش پیش کشیده شده‌اند، نه تنها می‌توانند خوانندگان را در راستای دریافت استوره‌های رزم‌نامه یاری دهند، بلکه هر یک از آنها

خواهد توانست، راه پژوهشگران گوناگون را برای رسیدن به گفتمان و پژوهش ویژه‌ی آنها کوتاه نماید.

من نگارنده بر آن هستم تا همه‌ی داستان‌های نوشته و نانوشته‌ی رزم‌نامه را که تا کنون یافته‌ام و یا در آینده به دست خواهم آورد، به ترتیب به چاپ برسانم. ولی از آنجا که شمار این داستان‌ها روشن نیست، هنوز نمی‌توان در باره‌ی شمار جلدهایی که انتشار خواهند یافت سخن گفت. ولی برنامه چنین خواهد بود که به ترتیب به شیوه‌ی سه جلدی، این روند دنبال شود. از این رو، در این گام نخست، به همراه آن یک جلدی که به "خاستگاه فرهنگی و زبانی" می‌پردازد، داستان‌های گورانی در دو جلد چاپ خواهند شد که در آن هر داستان با یک چکیده‌ی فارسی آغاز خواهد گردید. افزون بر این دو جلد، همه‌ی داستان‌های گورانی - لکه، کامل به نثر فارسی برگردانده شده‌اند که آنها نیز در یک جلد گرد خواهند آمد. در آینده نیز نخست، دیگر داستان‌های رزم‌نامه که دستنویس آنها در دست است، به همین شیوه‌ی سه جلدی انتشار خواهند یافت. تلاش خواهد شد که اگر به داستان‌های نانوشته دسترسی پیدا شد، درباره‌ی آنها نیز همین شیوه پی گرفته شود.

برای آشنایی خوانندگان با شیوه‌ی رزم‌نامه‌خوانی کردی، یک لوح فشرده به جلد نخست پیوست خواهد شد که در آن بخش‌هایی از یکی از داستان‌های رزم‌نامه خوانده شده است. این نمونه‌های رزم‌نامه‌خوانی، با یکی دیگر از جلوه‌های تمدن یادشده‌ی بالا همراه گردیده که همانا موسیقی بومی و آیینی است. من بر این باورم که در این شیوه‌ی بسیار شگفت‌انگیز، ما با یک دنیای موسیقایی کمترشناخته شده روبرو هستیم که خود بر گرفته از همان تمدن ناشناخته است. برای نشان دادن این ویژگی موسیقایی، در این جا دست به تجربه‌هایی در درون آن زده شده است تا شاید به کسانی که با آن آشنایی ندارند

شناسانده شود؛ چه کسانی که از کودکی با آن پیوند درونی پیدا کرده‌اند، باور دارند که هیچ موسیقی دیگری نتوانسته است، بدین گونه روان ایشان را تا ژرف‌ترین بخش‌های احساسی بشکافد و ایشان را از خود بی خود کند.

این استوره‌ها و موسیقی آیینی و عرفانی، تنها دو جلوه از جلوه‌های تمدنی هستند که من سال‌های بسیاری را در راه کشف، دریافت و شناساندن آن به سرآورده‌ام. با همه‌ی اینها، امیدوارم که زمانی بتوانم به یک جا به همه‌ی جلوه‌های آن پرداخته و برای نخستین بار، یک کاخ فرهنگی را به جای بیرون کشیدن از زیر خاک، از میان فرهنگ شفاهی یک مردم درآورم و به بازسازی باستان‌شناختی مردم‌شناسانه‌ی آن پردازم.

فریبرز همزه‌ای

کرمانشاه، فروردین ماه ۱۳۹۳